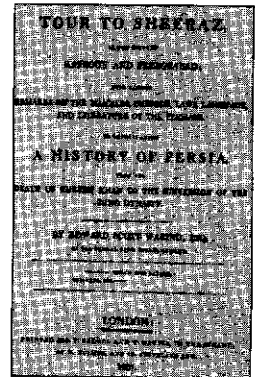
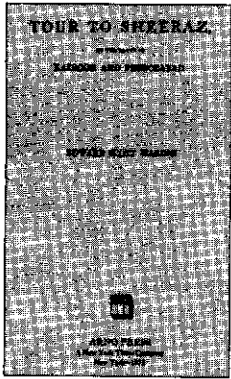


سفر به شیراز از مسیر کازرون و فیروزآباد

○ مجتبی خلیفه



- TOUR TO SHEERAZ BY THE ROUT OF KAZROON AND FEEROZABAD
- EDWARD SCOTT WARING
- NEWYORK: ARNOPRESS, 1973

مقدمه:

سفرنامه‌ها منابع باارزشی محسوب می‌شوند و در روشن نمودن جنبه‌های مختلف تاریخ اجتماعی ایران که از دید مورخین ایرانی پنهان مانده است، مفید هستند. جهانگردانی که در اواخر دورهٔ قاجاریه و اوایل دورهٔ قاجاریه به ایران سفر نموده‌اند شرح جامع و کاملی از مناطق جنوبی کشور، به‌ویژه شیراز، پایتخت سلسله زندیه ارائه کرده‌اند. از بین آنها می‌توان به سفرنامه ویلیام فرانکلین (۸۷-۱۷۸۶ م)، سفرنامه کارستن نیبور (۱۷۶۵ م)، سفرنامه فریر (۱۷۹۰ م)، سفرنامه اولیویه (۱۷۹۶ یا ۱۷۹۸ م)، گزارشات کرملیت‌ها، خاطرات سرهاردفور جوز و سفرنامه وارینگ اشاره نمود. از بین این آثار، دو کتاب سفرنامه نیبور و سفرنامه وارینگ از اهمیت بیشتری برخوردارند. مطالعات زیاد نیبور بر روی تخت جمشید و تاریخ باستانی ایران «شکاف بین تاریخ پیش و پس از اسلام را پر کرد»^۱ و از این نظر شروعی برای مطالعه علمی تاریخ ایران باستان بود. پس از سفرنامه نیبور، اثر ادوارد اسکات وارینگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اشتمال این سفرنامه بر مطالب متنوع درخصوص تاریخ اجتماعی ایران خصوصاً شیراز عصر زندیه و اوایل دورهٔ قاجاریه، توصیف دقیق مسیر رفت و آمد خود در جنوب کشور و مطالب بی‌شمار دیگری که به آنها اشاره خواهد شد، سفرنامه وارینگ را جزء بهترین و دقیق‌ترین سفرنامه‌های اواخر قرن ۱۸ و سال‌های نخستین قرن ۱۹ قرار داده است. گاسپار دروویل که بین سالهای (۱۳-۱۸۱۲ م) از ایران دیدن کرده است، سفرنامه وارینگ را جزو دقیق‌ترین سفرنامه‌ها ذکر می‌کند و در سفرنامه خود از مشاهدات او بهره برده است.^۲

ادوارد اسکات وارینگ جهانگرد انگلیسی در سال ۱۸۰۲ م یعنی سال‌های اول سلطنت فتحعلی شاه قاجار و هشت سال پس از قتل لطفعلی خان زند از ایران دیدن کرده است. وی چند ماهی در شهرهای جنوبی ایران به‌ویژه شیراز به سر برده و در نهایت از آنجا عازم هندوستان شده است. وارینگ در سفرنامه‌اش به توصیف مناطق جنوبی کشور به‌ویژه فارس (شهرهای بوشهر، برازجان، دشت ارژن، شیراز، کازرون، فیروزآباد و...) پرداخته است. از بین ۴۳ فصل کتاب وی، بیش از ۳۰ فصل آن به توصیف جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان اختصاص دارد.

مطالب کتاب شامل: مقدمه مؤلفه دو بخش و جمعاً چهل و سه فصل، بعلاوه بخشی مجزا در «تاریخ ایران از مرگ کریمخان تا سقوط سلسله زندیه» و یازده ضمیمه می‌باشد که به زبان انگلیسی و نخستین بار در سال ۱۸۰۷ در انگلستان منتشر شده است و ولی تاکنون به زبان فارسی ترجمه نگردیده است.

فهرست مطالب کتاب به شرح زیر است:
بخش اول:

۱. سفر به بوشهر، خلیج فارس، مناظر، شرحی، تصاویر هندی، کتب خطی ... و
۲. حاکم بوشهر و پدرش، تجارت، شام ایرانی، نجوم.
۳. روش‌های مسافرت، احترام ایرانیان نسبت به مالکوم بزرگ و...
۴. حرکت به سوی شیراز، برازجان، دو قلعه نظامی، ویرانه‌های شهر بزرگ دریس و...
۵. شرح یکی از بازماندگان نادرشاه، دشت زیبای ارژن، راهداران، رسیدن به شیراز و...
۶. توصیف شیراز، گزارشات، اروپائیان، آب و هوا، بازار، مسجد و...
۷. پذیرائی شاهزاده، ملکه، ملاقات حاکم...
۸. باغ‌های ایرانی، توصیف یک صحبت، حافظیه، فال گرفتن، هفت تن، تصاویر سعدی و حافظ، آرامگاه سعدی، دلگشا، جهان‌نما، کلاه فرنگی، تخت قاجاریه.
۹. روش ایرانیان در تقسیم سپاهیان و خدمتکارانشان.
۱۰. بناها و گرمابه‌ها.
۱۱. صنعتگران، نقاشان، پزشکان.
۱۲. روش گذراندن وقت در ایران.
۱۳. سرگرمی‌ها در ایران.
۱۴. لباس ایرانیان.
۱۵. لباس زنان در ایران.
۱۶. محله‌های شیراز.



۱۷. پلیس شیراز.
۱۸. قوانین.
۱۹. تجارت در ایران.
۲۰. حقوق گمرکی و مالیات‌ها.
۲۱. نیروی نظامی.
۲۲. درآمدها.
۲۳. طرز حکومت.
۲۴. پادشاه.
۲۵. شخصیت ایرانیان.
۲۶. بازگشت به بوشهر.
۲۷. شکار کردن نزد ایرانیان.
۲۸. اسب‌های عربی و ایرانی.
۲۹. درخت خرما.
۳۰. دم.
۳۱. وهابی‌ها.
۳۲. روش محاسبه زمان.
۳۳. سکه در ایران.
۳۴. حرکت به بصره.
۳۵. شهر بصره.

اشتمال سفرنامه «سفر به شیراز از مسیر کازرون و فیروزآباد»

بر مطالب متنوع در خصوص تاریخ اجتماعی ایران،

خصوصاً شیراز عصر زندیه و اوایل دوره قاجاریه،

توصیف دقیق مسیر رفت و آمد «ادوارد اسکات وارینگ»

در جنوب کشور، سفرنامه وارینگ را جزء بهترین و

دقیق‌ترین سفرنامه‌های اواخر قرن ۱۸ و سال‌های نخستین

قرن ۱۹ قرار داده است

بخش دوم

۱. زبان ایرانیان.
۲. نویسندگان ایرانی.
۳. شاعران ایرانی.
۴. غزلیات حافظ.
۵. اشعار صوفیانه.
۶. غزل.
۷. شاعران ایرانی.
۸. اشاره به برخی مذاهب.

تاریخ امپراتوری ایران (از مرگ کریم‌خان زند تا سقوط سلسله زندیه)

ضمیمه

وارینگ در مقدمه کتابش که «تاریخ سال ۱۸۰۴ پونام هندوستان» در انتهای آن مشاهده می‌شود - تندرستی و حس کنجکاوی خود را دلیل ملاقات از ایران ذکر می‌کند. در جای دیگری از مقدمه، بزرگترین پادشاه خود را رضایت مردم از کتابش بیان می‌کند.

وارینگ روز شنبه دهم آوریل ۱۸۰۲ م با کشتی شروزبوری (Shrewsbury) سفر خود را به سوی خلیج فارس آغاز نموده است. وی سختی‌های هوای شرجی بوشهر را برشمرده، این شهر را چنین توصیف می‌کند: «این شهر [بوشهر] در یک تنگه باریک واقع است در ارتفاع بسیار اندکی از سطح دریا که در آن جزر و مد بروز می‌کند. خانه‌ها متوسط، کوتاه و کوچک؛ بویژه بوسیله گل یا یک نوع سنگ سفید و سست بنا شده است.»

وی تجارت کمپانی هند شرقی انگلیس در ایران را مقرون به صرفه نمی‌داند چون معتقد است به دلیل ارزاتر بودن حمل و نقل زمینی، ایرانیان ماهوت فرانسه را از راه روسیه وارد می‌کنند.^۲

به گفته او هندی‌ها بدون هیچ‌گونه مزاحمتی با ایرانیان زندگی می‌کنند و هیچ تهدیدی از سوی حکومت متوجه آنها نبوده است.

فصل دوم و سوم نیز به حضور او در بوشهر اختصاص دارد که طی آنها اشاراتی به شیخ ناصر، حاکم بوشهر و تلاش ایرانیان برای گسترش تجارت با هندوستان می‌نماید.

فصول چهارم و پنجم شرح سفر از بوشهر به شیراز می‌باشد که در طی آن

به توصیف شهرهای بین راه پرداخته است. همراهانش در طول سفر ده نفر بوده‌اند: (یک نفر جلودار، دو نفر مهتر، دو نفر پیشخدمت، یک آشپز، چهار فراش). وارینگ دربارهٔ برازجان (به نوشته او برازگون) می‌نویسد: «برازجان روستای بسیار بزرگی است که بوسیله دیواری احاطه شده است؛ و از آنجا تجارت چشمگیری از پارچهٔ نخ، گندم و تنباکو با بوشهر در جریان است.» ۴ وارینگ همچنین اطلاعاتی در مورد منظرگاه‌هایی که از آنها عبور کرده همچون دالکی، کُتار تخته، دریس، کازرون و... بدست می‌دهد.

در فصل پنجم وارینگه دشت ارژن (در نزدیکی شیراز) را با زیبایی بسیار توصیف می‌کند. وی آنجا را از مناطق زیبای ایران معرفی می‌نماید و می‌نویسد که در نزدیکی شهر غاری است که مردم در مواقع خطر به آنجا پناه می‌برند. در ادامه، توضیحاتی راجع به راهناری و خدمات آن ارائه می‌دهد.

فصول ششم تا هشتم کتاب به توصیف شهر شیراز و بناهای تاریخی و باغ‌های آن اختصاص دارد. وارینگ شهر شیراز را شهری بزرگ و باشکوه توصیف نموده است. وی اشاراتی به توصیف‌های سیاحانی همچون ائاریوس، هربرت، سرتوماس شرلی و... راجع به شیراز دارد که نشان می‌دهد با آثار آنان آشنایی کامل داشته است. بازار وکیل، مسجد وکیل، آرامگاه حافظ، آرامگاه سعدی، باغ دلگشا، باغ جهان‌نما، عمارت کلاه‌فرنگی (موزه پارس فعلی)، آب رکن‌آباد و... از جمله بناهای شیراز است که وارینگ به توصیف آنها پرداخته است. وی در جایی به «تقال زدن به دیوان حافظ» اشاره نموده و حتی نیت فال را که با «ای حافظ شیرازی تو کاشف هر رازی» صورت می‌گیرد به فارسی آورده و توضیحاتی دربارهٔ آن ارائه کرده است.^۵

نویسنده در فصل نهم به نحوهٔ تقسیم سپاهیان در ایران اشاره نموده که برگرفته از مشاهداتش در شیراز است. به نوشته او سپاه به ۸ یا ۱۰ دسته تقسیم شده و برای آنها خانه‌هایی در نظر گرفته می‌شد که متعلق به آنها بود.

فصل دهم به توصیف حمام‌ها و دیگر بناهای شیراز اختصاص دارد. نویسنده در این فصل دیوان‌خانه را که از بناهای مشهور دورهٔ کریمخان زند بوده و متأسفانه سالهاست که به انبار ادارهٔ پست شیراز تبدیل شده است چنین توصیف



و کسبه در بازار، نظارت بر رعایت امور اخلاقی توسط مردم، جلوگیری از گرانفروشی و... ذکر کرده است.

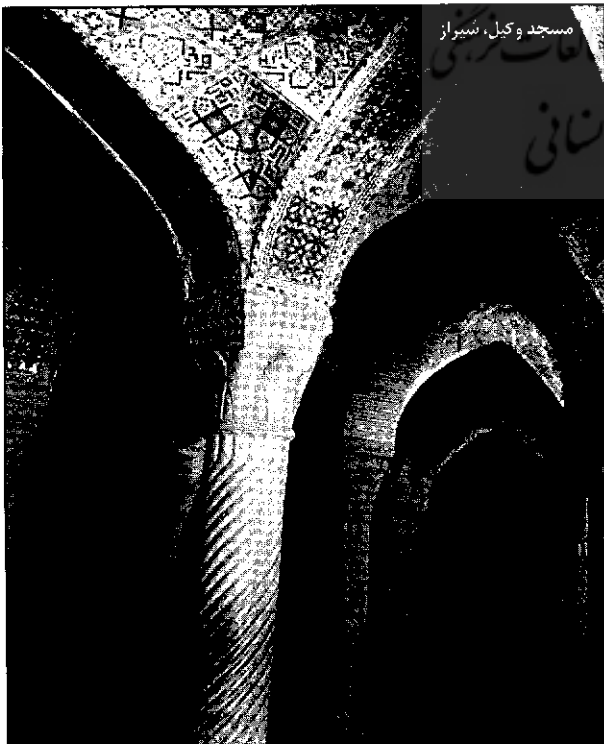
فصل هجدهم به قوانین اسلامی، وظایف شیخ الاسلام و... اختصاص دارد.

در فصول نوزده و بیست امور تجارت و حقوق گمرکی مورد توجه قرار گرفته است. به نوشته وارینگ: «ایران کشوری است که تجارت داخلی ناچیزی دارد، رودخانه‌های قابل کشتیرانی کمی دارد... و مقدار کمی گندم، برنج، جو، خرما و بادام از طریق بوشهر به مسقط صادر می‌شود.» وی اشاراتی به کارخانه‌های پارچه‌بافی یزد، کاشان و اصفهان نموده است. به نوشته وارینگ محصولات کارخانه‌های فوق به روسیه صادر می‌شود و در عرض از آنجا ماهوت، مخمل، اطلس و کارد

و چنگال وارد می‌گردد. او یزد را مرکز بازرگانی ایران در آن عهد می‌داند. همچنین بازرگانان ایرانی را طبقه‌ای زیرک، آگاه و صرفه‌جو معرفی می‌کند و دو بندر بصره و بوشهر را از مراکز تجاری مهم منطقه ذکر می‌کند.^۷ نیز نویسنده به گمرک خانه شیراز اشاره نموده است جایی که در آن کالاها امتحان و ارزش‌گذاری می‌شده‌اند تا مالیات آنها دریافت شود.

فصل بیست و یکم به بررسی نیروی نظامی ایران اختصاص دارد. به نوشته وارینگ همه سپاهیان در ایران بدون واسطه، خدمتگزاران پادشاه بوده‌اند. روسای سپاه نیز از بین صاحبان طوایف و قبایل معروف و با نفوذ برگزیده می‌شده‌اند. نیروی نظامی ایران بویژه از سواره‌نظام تشکیل می‌شده است و سپاهیان لباس ویژه‌ای می‌پوشیده‌اند. بنا به نوشته وارینگ یک سرباز دورهٔ زندیه پانزده تومان مواجب در سال دریافت می‌کرده^۸ که گویا تنها منبعی است که به این موضوع اشاره کرده است.

نویسنده در فصل بیست و دوم به درآمد‌های دولت پرداخته است. عمده مطالب این فصل به توصیف دو دسته اراضی: ۱- اراضی شاهی ۲- اراضی اربابی



می‌کند:

«دیوانخانه ساختمان بسیار بزرگی است که کف آن معمولاً با یک قالی گران‌قیمت و مندهای زیبا فرش شده است، پنجره‌های آرسی شکل آن نمای کامل ورودی بنا را شکل می‌دهد که با شیشه‌های رنگی کوچک که نور خورشید و ستارگان را تعدیل می‌کنند لعاب داده شده‌اند.»^۶ سپس به توصیف حمام‌های ایران پرداخته است. به نوشته او حمام‌ها در طول هفته، چهار روز به مردان و دو روز به زنان اختصاص داشته‌اند.

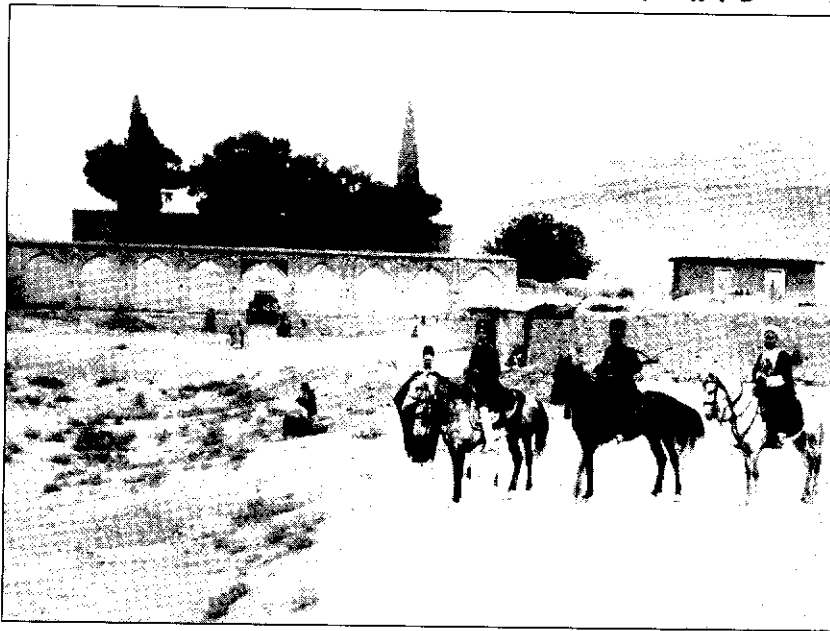
فصل یازدهم راجع به صنعتگران، نقاشان و پزشکان می‌باشد. به نوشته وارینگ در شیراز تنها تعداد اندکی کارخانه‌های شمشیرسازی و یک کارخانه کوچک تولید شراب وجود داشته است. وی صنعتگران شیراز، به‌ویژه اساتید فن میناکاری را فوق‌العاده مجرب‌تر از هم‌تاهای اروپایی می‌داند. او قیمت یک شمشیر خوب شیرازی را نزدیک به ۴۰۰ دینار ذکر می‌کند. هنر نقاشی ایرانی آن زمان را ضعیف و فاقد دانش کافی راجع به سایه و روشن و تناسب دور و نزدیک (perspective) می‌داند، از طرفی اوضاع علم پزشکی را در ایران بسیار وخیم‌تر از نقاشی ذکر می‌کند و معتقد است که پزشکان ایران وسایل و شیوه‌هایی ابتدایی دارند.

فصول ۱۳ و ۱۴ کتاب به نحوهٔ گذران وقت و سرگرمی‌های ایرانیان اختصاص دارد. نویسنده از جمله سرگرمی‌های ایرانیان را: نقالی شاهنامه، شعرخوانی، بازی تخته‌نرد و... ذکر می‌کند. وی آوازهای ایرانی را مطبوع و دلنشین دانسته به تصانیفی که در آن دوره رایج بود اشاره نموده است.

فصول ۱۴ و ۱۵ کتاب به توصیف لباس‌های زنان و مردان ایرانی اختصاص دارد. وارینگ توصیفات دقیقی در مورد البسهٔ ایرانیان ارائه کرده و معتقد است لباس ایرانیان به‌طور قابل قبولی متناسب با هوای سرد و گرم تهیه می‌شود. سپس به توصیف نحوهٔ لباس پوشیدن پادشاه، سپاهیان و مردم عادی پرداخته است. او لباس ایرانیان را گران‌قیمت می‌داند. سپس توصیفات در مورد البسه زنان آن دوره ارائه می‌دهد از جمله جنس شلوارهای زنان در آن دوره راه از نوعی مخمل ضخیم و پارچه‌ای را که بر روی دوش می‌انداخته‌اند از ابریشم، چیت یا تور ذکر می‌کند.

فصل شانزدهم دربارهٔ تقسیم محله‌های شیراز است. به نوشته وارینگ هر محلهٔ شهر کدخدا یا رئیسی داشته که انجام امور آن محله به عهده او بوده است. به نظر وارینگ منصب کدخدا، منصبی مهم و پسندیده بوده است.

در فصل هفدهم توضیحات مفصلی در مورد پلیس شهر شیراز و مراتب آن ارائه شده است. وی نظم پلیس را می‌ستاید. همچنین اشاره‌ای به منصب داروغه داشته، وظیفه او را فرونشاندن نزاع‌های بین کسبه بازار و شنیدن شکایات مردم



مربوط می‌شود. به نوشته وارینگ یک هشتم از اراضی فارس و عراق جزء دارائیهای شاه بوده است. روابط دولت و مالکین، مالیات زمین‌ها، وظایف مستوفی و... از دیگر مباحث این فصل می‌باشد.

فصول بیست و سوم و بیست و چهارم به موضوع دولت و پادشاه اختصاص دارد. به نوشته وارینگ مشخصه اصلی پادشاهان ایران استبداد مطلق بوده و اراده پادشاهان ایران با هیچ قانونی محدود نمی‌شده است. به گفته او هیچ نهادی حتی روحانیون نیز بر قدرت شاه تأثیر نداشته‌اند. به واسطه چنین قدرت نامحدودی پادشاه می‌توانسته دارائی اشراف را توقیف و یا منطقه را به سادگی ویران نماید. در ادامه توضیحاتی راجع به پادشاه وقت ایران (فتحعلی‌شاه)، چگونگی به قدرت رسیدن سلسله قاجار، موقعیت تهران، حاج ابراهیم خان کلانتر، علاقه شاه به شعر و شاعری و نقل چندین بیت در مدح او ارائه می‌دهد.

فصل بیست و پنجم به بیان شخصیت ایرانیها اختصاص دارد. به دلیل حضور بیشتر نویسندگان شیراز، تحلیل‌هایش در مورد شخصیت ایرانیان بیشتر برگرفته از برداشت او از مردم شیراز است. وی مردم شیراز را مردمانی با تربیت دقیق ایرانی ذکر می‌کند. همچنین دو طبقه: ۱- نظامیان و کارمندان دولت ۲- بازرگانان را بهترین طبقه مردم در ایران می‌داند و به تشریح روحیات آنها می‌پردازد و ویژگیهای مختص هرکدام را بیان می‌کند.

فصل بیست و ششم ادامه شرح سفر نویسنده می‌باشد چون وی در تاریخ ۳۱ جولای شیراز را به مقصد بوشهر ترک کرده است. به گفته وارینگ این بار به نصیحت استربان و آرزوی مسافرت از طریق یک راه جدید راه دیگری را برگزیده از طریق فیروزآباد عازم بوشهر گردیده است. به گفته وی، این مسیر، فوق‌العاده پریچ و خم بوده به همین خاطر کاروان‌های زیادی از آن مسیر رفت و آمد نمی‌کرده‌اند. نویسنده منزلگاه‌هایی را که از آنها عبور کرده: دولت‌آباد، برمیه، بیشگون، علی چنگی و بهمینی ذکر می‌کند. وی به وجود خانه‌هایی در منطقه بهمینی اشاره می‌کند که سابق بر آن توسط پرتغالی‌ها و هلندی‌ها ساخته شده بود.

فصول بیست و هفتم تا سی و دوم، فصول کوتاهی هستند که به طور مختصر مسائلی همچون شکار کردن ایرانیان، اسب‌های عربی و ایرانی، درخت خرما، وهابیها و... را مورد توجه قرار داده‌اند.

در فصل سی و سوم، وارینگ به طور خلاصه به بیان پول‌های رایج ایران و پول‌های کشورهای نظیر هلند، عثمانی و آلمان پرداخته، مقایسه‌ای بین آنها انجام داده است از جمله به برخی پول‌های ایرانی همچون: پول سیاه، غاز و شاهی و ارزش آنها در مقایسه با پولهای خارجی اشاره کرده است.

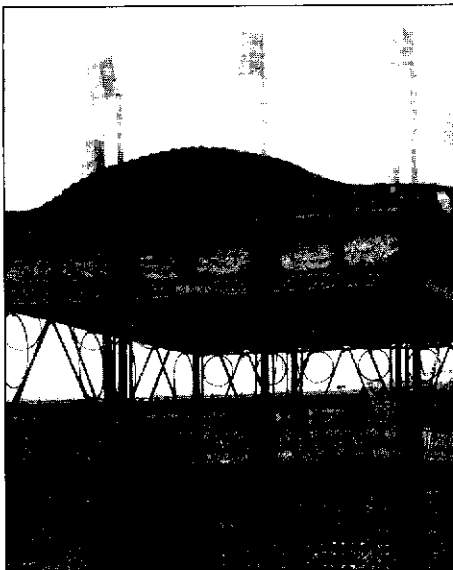
فصول سی و چهارم و سی و پنجم کتاب، جریان سفر نویسنده به بصره و توصیف آن شهر می‌باشد. وی در ۷ سپتامبر از طریق راه آبی به بصره سفر نموده و در آنجا به گرمی مورد استقبال آقای منستی (Mr. Mansty)، نماینده کمپانی هند شرقی در بصره قرار گرفته است. در ادامه وارینگ توضیحات کاملی در ارتباط با پیشینه شهر بصره، موقعیت تجاری و بازرگانی شهر برای امپراتوری عثمانی و... ارائه می‌دهد. درواقع این نقطه پایانی سفر وارینگ بوده است زیرا در تاریخ ۱۵ اکتبر از بصره از طریق خلیج فارس عازم هندوستان شده و در تاریخ ۱۵ نوامبر به بمبئی رسیده است.

گاسپار دروویل که بین سالهای ۱۳-۱۸۱۲ م از ایران دیدن کرده است، سفرنامه وارینگ را جزو دقیق‌ترین سفرنامه‌ها ذکر می‌کند و در سفرنامه خود از مشاهدات او بهره برده است

بخش دوم کتاب شامل هشت فصل می‌باشد. در فصل اول نویسنده به توضیحاتی پیرامون زبان ایرانیان پرداخته است. به نظر او زبان ایرانیان که در زمان او تکلم می‌شده است قدمت چندانی نداشته، شعرایی همچون سعدی، حافظ، نظامی و... در خوش‌آهنگی و جلا دادن به آن مؤثر بوده‌اند. وارینگ در این فصل از شعرای بسیاری نام می‌برد: فردوسی، خاقانی، جامی و... این امر نشان می‌دهد که او با ادبیات ایران آشنایی داشته است زیرا زیبایی‌های آنرا به خوبی بیان می‌کند.

در فصل دوم، نویسندگان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به گفته وارینگ در ایران: «آثار تاریخی با سبکی تملق‌آمیز نگارش یافته‌اند». وی به زندگی مورخان در دربارها و حمایت شاهان از آنها اشاره می‌کند و برای اثبات نظر خود به حمایت تیمور از صاحب ظفرنامه اشاره می‌کند. همچنین در مقابل به ابن عربشاه که مخالف مورخین درباری بوده نیز اشاره می‌کند. سپس به معرفی سعدی می‌پردازد و چندین حکایت از گلستان او را به انگلیسی برگردانده است. وی گلستان را کتابی ارزشمند می‌داند که داستان‌هایش آموزنده و عالی است و با بسیاری از واقعیات و مقتضیات زندگی همخوانی دارد. در ادامه به دیگر شعرا و نویسندگان و مورخین ایرانی همچون طبری اشاره کرده است.^۱

در فصل سوم وارینگ به طور مفصل (۴۳ صفحه) به معرفی حکیم ابوالقاسم فردوسی و اثر گرانسنگ او، شاهنامه پرداخته است. بیشتر صفحات این فصل به ترجمه اشعاری از قسمت‌های مختلف شاهنامه به زبان انگلیسی، به همراه متن فارسی آن اختصاص دارد. وی در مورد شاهنامه می‌گوید: «شگفت‌انگیزترین یادگار تاریخی ادبیات شرقی، شاهنامه اثر فردوسی است.»^۲ همچنین وی شاهنامه فردوسی را که مشتمل بر ۶۰ هزار بیت می‌باشد یک دوره تاریخ ۳۷۰۰ ساله ایران می‌داند. سپس توضیحاتی راجع به داستان‌های مختلف شاهنامه ارائه نموده و تقریباً از هر قسمت شاهنامه اشعاری را شاهد آورده و به انگلیسی ترجمه کرده است.



فصل چهارم از بخش دوم به غزلیات حافظ اختصاص دارد. نویسنده اشعار حافظ را متفاوت از اشعار دیگر شاعران دانسته لذا ارزش بیشتری برای غزلیات حافظ قائل می‌باشد. وی غزلیات حافظ را با اشعار هوراس و آناکرئون مقایسه کرده است. وارینگ غزلیات حافظ و سعدی را نیز با هم مقایسه نموده است. بیشتر صفحات این فصل نیز اختصاص به ترجمه غزلیات حافظ به انگلیسی دارد.

فصل پنجم از بخش دوم به اشعار صوفیانه شعرای ایران اختصاص دارد. نویسنده در این فصل اشعاری از شعرای معروف ایران و ترجمه آنها را ارائه داده است.

فصل‌های ششم و هفتم نیز به شعر و شاعری پرداخته است. از جمله در فصل ششم به موضوع غزل پرداخته و غزلیاتی از شعرای ایرانی

همچون نظامی، حافظ، سعدی با اشعاری از شعرای معروف اروپایی نظیر اسپنسر و هملت و... با هم مقایسه نموده است.

در فصل هشتم کتاب که بدون عنوان می‌باشد نویسنده مطالبی راجع به مذاهب صابئین و زردشتیان ارائه می‌کند. همچنین مطالبی درباره اعراب، مذهب اسلام، قرآن، ورود اسلام به ایران و تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی، تصوف و فلسفه، علم اخلاق، متافیزیک و... بیان نموده است.

کتاب فصلی مجزا تحت عنوان «تاریخ امپراتوری ایران از مرگ کریم‌خان زند تا سقوط سلسله زندیه» دارد که نویسنده در آن، تاریخ سیاسی ایران از اواخر دوره کریم‌خان زند تا ابتدای دوره قاجار را دقیقاً تشریح نموده است. اطلاعاتش در ضبط رویدادهای تاریخی به گفته خود، برگرفته از مورخین آن دوره، به‌ویژه یکی دو نسخه خطی از تاریخ دوره زندیه بوده که در شیراز بدستش رسیده است.

وارینگ معتقد است که مورخین ایرانی به دلیل استبداد پادشاهان خود، تاریخشان تحت نفوذ و اقتدار سلطنت به رشته تحریر درآمده است. به این لحاظ آنها را نگوئیم می‌کند و به تملق‌گویی و دروغ‌های عمدی مورخین اشاره می‌کند اما در هر حال واقعیت‌های نوشته‌های آن دوره را نادیده نمی‌گیرد. وارینگ مطالب زیادی از این بخش را به بیان اقدامات عام‌المنفعه کریم‌خان در شیراز اختصاص داده است. طبق نوشته وارینگ کریم‌خان پس از رسیدن به قدرت به دلیل علاقه وافری که به شهر شیراز داشت به عمران و آبادانی آن شهر پرداخت و آثار تاریخی زیادی نظیر بناهای مجلل، مدارس، حمام‌ها و دروازه‌ها هرچه که می‌توانست ظاهر شهر را بیارید و برای آسایش و راحتی ساکنینش سودمند باشد بنا نمود. با وجود اینکه نویسنده کریم‌خان را حکمرانی بی‌سواد می‌خواند، اما در توصیف او چنین می‌گوید: شیراز به دلیل عدالت و اعتدال حکمرانش نامدار گشته، همین امر دلیل اهمیت بیشتر شیراز نسبت به دیگر شهرهای ایران در آن دوره است.»^{۱۱}

در مجموع نویسنده، کریم‌خان را شخصیتی عادل و حکمرانی وکیل مردم معرفی کرده است. وارینگ زکی خان زند، برادر کریم خان را «جانوری بیرحم» توصیف کرده است. سپس تقریباً به تمام جزئیات جانشینی کریم‌خان زند و آشفتگی‌های آن دوران اشاره نموده است.^{۱۲} وی در صحبت از ماجرای ورود آقامحمدخان قاجار به رشت، به حضور دو کشتی جنگی و یک کشتی تجاری روسیه در سواحل آن شهر اشاره می‌کند که هدایت‌الله خان، حاکم رشت به همراه دارایی‌هایش با کشتی‌های روسی شهر را ترک گفته است.^{۱۳} او توضیحات دقیقی راجع به مراحل تکامل و ترقی آقامحمدخان ارائه می‌دهد. نقش حاج ابراهیم‌خان کلانتر بر ضد لطفعلی خان نیز توسط وارینگ تشریح شده است. او لطفعلی خان را شخصیتی دلیر، شجاع و کاردان توصیف کرده و قابل مقایسه با پادشاهان بزرگ انگلستان دانسته است. وارینگ معتقد است که پس از قتل

لطفعلی‌خان، آخرین پادشاه سلسله زندیه، خاطره او برای همیشه در بین ایرانیان به‌ویژه در آوازه‌ها و تصانیف باقی ماند. وی تصنیفی را در کتابش آورده که در زمان نویسنده هنوز خواننده می‌شده است و ما به چند بیت از آن اشاره می‌کنیم:

بالای بان اندران
قشون آمد مازندران
جنگی کردیم نیمه تمام
لطفی میره شهر کرمان
باز هم صدای نی میاد
آواز پی در پی میاد
حاجی ترا گفتم پدر
تو مارا کردی دربر
خسرو دادی دست قجر
لعنت به ریش تو پدر

تصنیف فوق ۲۶ بیت است و در آن به خیانت

حاج ابراهیم خان کلانتر نسبت به لطفعلی‌خان و پایان تراژیک زندگی لطفعلی‌خان اشاره شده است.^{۱۴} وارینگ همچنین به خراب کردن حصار شهر شیراز توسط آقامحمدخان قاجار که توسط کریم‌خان زند برافراشته شده بود، اشاره می‌کند.^{۱۵} کتاب با چند ضمیمه به پایان می‌رسد که ترجمه دستور انوشیروان ساسانی مبنی بر مساحی زمین‌ها و شعری از مثنوی از آن جمله است. این بخش به لحاظ تاریخی ارزش چندانی ندارند و صرفاً جهت آشنایی خوانندگان انگلیسی زبان ارائه شده است. در کتاب وارینگ دو تصویر ارائه شده است. نخستین آنها تصویر فتحعلی شاه قاجار است که در نخستین صفحات کتاب چاپ شده و تصویر دوم نیز مربوط به «شاخ نبات» می‌باشد که گویا کریم‌خان زند در سن ۷۵ سالگی عاشق او شده بود.^{۱۶}

سفرنامه وارینگ جهت تدوین تاریخ جانشینان دوره کریم‌خان زند و اوایل دوره قاجار به‌ویژه به لحاظ مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگ عامیانه، از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است و این خود مرهون نکته‌سنجی، تیزبینی، جستجو در بین مردم و گفت و گو با آنان و درواقع نوعی تحقیق میدانی از سوی وارینگ می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نیبور، کارستن: سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، بی‌چاه توکار ۱۳۵۴، ص ۱۲.
۲. دروویل گاسپار: سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، تهران، گوتنبرگ، بی‌تا، ص ۸.

3. Waring Edward scott: Tour to sheeraz by the rout of Kazroon and feerozabad, Newyork: Aropress, 1973, P. 2.

4. Ibid, P. 17.

5. Ibid, P. 37.

6. Ibid, P. 44.

7. Ibid, P. 76-7.

8. Ibid, P. 81.

9. Ibid, PP. 149-50.

10. Ibid, P. 157.

11. Ibid, P. 261.

12. Ibid, P. 268.

13. Ibid, P. 275.

14. Ibid, P. 93.

15. Ibid, P. 299.

16. Ibid, P. 60.